



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



کمال قبادی

انگیزه ها و اهداف

نهضت عاشورا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا

نویسنده:

کمال قبادی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	شهادت یک ارزش بزرگ
۷	جلوه‌هایی از شوق و علاقه به شهادت در تاریخ اسلام
۹	انگیزه قیام در کلام امام
۱۰	انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا
۱۰	اشاره
۱۰	توقف گاه‌های امام و همراهان والا مقام آن حضرت
۱۰	توقف گاه‌ها
۱۰	آغاز نهضت
۱۱	اشاره
۱۱	مقاومت در برابر مخالفت‌ها
۱۱	اشاره
۱۲	مخالفت دوستان
۱۲	مخالفت دشمنان
۱۳	روز شمار تاریخ
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان: انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا
 پدیدآورندگان: کمال قبادی (پدیدآور)
 امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)
 وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷
 نوع: متن
 جنس: مقاله
 الکترونیکی
 زبان: فارسی
 توصیفگر: انگیزه‌های مصلحت اندیشانه
 قیام عاشورا
 انگیزه‌ها

مقدمه

امام حسین (ع) مشعل دار چراغ هدایت و نجات‌دهنده امت از گمراهی و ضلالت است امام حسین (ع) کشتی نجات است و معلم سعادت انسان‌هاست و این نه حرف ما بلکه فرموده منجی عالم بشریت حضرت رسول اکرم (ص) می‌باشد. امام حسین (ع) قیامی آتشین و حرکتی توفنده علیه شرک و کفر و فساد و فحشاء و کج فهمی و انحراف نفاق و بی‌دینی آغاز کرد و راهی نافع برای همه آزاداندیشان در اعماق جامعه تاریک بشریت گشود و فریادی رسا بر بلندای قله رفیع شهادت سر داد و تشنگان حقیقت را از کوثر زلال مرام خونین خود سیراب و سیه‌رویان دنیاپرست را به خاک مذلت نشانید. امام حسین (ع) احیاگر اصیل نبوی و سیره صحیح علوی و ویرانگر کاخ‌های اموی و بیدادگر انسان‌های دنیوی و تجلی‌گر بینش عمیق زندگی اخروی بود. امام حسین (ع) آزاده‌ای از تبار آزادگان و معصومی از نسل پاک پیامبر اسلام (ص) و رهبری بیدار و ایثارگری واقع‌گرا و اسوه‌ای آشکار و اسطوره‌ای همیشه در تاریخ و زنده‌ای جاودانه و مؤمنی که از جان و مال و عزیزان دست کشیده بود. امام حسین (ع) غوغایی خاموش نشدنی در جهان برپا نمود و آتش عشق عاشقان خدا را برافروخته و تجلیات والای الهی را در سینه‌ها افکنده و راه اصیل اسلامی را به روی مردم گشوده است امام حسین (ع) رهروی صدیق برای گذشتگان تاریخ سراسر افتخار مومنان واقعی بوده است

شهادت یک ارزش بزرگ

شهادت یکی از ارزش‌های بزرگ و از عوامل مهم کمال و رستگاری انسان محسوب می‌شود. اعتلا و سلامت و سعادت جامعه و تأمین حیات جاودانه همه ارزش‌های والا در پرتو این ارزش بزرگ تحقق می‌یابد و خون‌های مطهر شیفتگان شهادت پاسدار همه نیکی‌ها و تداوم بخش راه صائب همه انبیا و امامان و مصلحان و انقلابگران راه خدا می‌گردد. کسی که در راه احیای دین و استقرار تعالیم مقدس اسلام و تحقق آرمان‌های والای انسان در جامعه کشته شود «شهید» نام می‌گیرد. شهید در مسیر رشد و کمال معنوی به

عالی‌ترین درجات و مراتب نائل می‌آید و از مقام و منزلتی بس بزرگ نزد پروردگار عالم برخوردار می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید». هم‌چنین می‌فرماید: «کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده نپندارید بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». آنان به فضل و رحمتی که از جانب خدا نصیبشان شده است شادمانند و به آن مؤمنانی که هنوز به آنان نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنان به راه آخرت خواهند شتافت مژده می‌دهند که از مردن هیچ نترسید و از خوف نداشتن متاع دنیا، هیچ غم نخورید و آنان را به فضل و نعمت خدا بشارت می‌دهند. در آیات دیگری به پاداش بزرگ و عظیم جهادگران راه خدا که برای تحقق آرمان‌های الهی در خون خویش غوطه‌ور شدند، اشاره می‌فرماید که به عنوان نمونه در آیه ذیل می‌فرماید: «کسی که در راه خدا جهاد کند و کشته شود و یا پیروز گردد؛ ما پاداش بزرگ به او عطا خواهیم کرد». با استفاده از آیات مزبور و سایر آیاتی که در موضوع شهادت و مقام و منزلت بزرگ شهید نازل شده است پاداش شهید و شأن و درجه و مرتبه او زندگی و حیات جاودانه و ابدی‌اش هرگز با حیات دنیوی قابل مقایسه نیست و انسان تا به آن مقام عظیم نائل نیاید، به درک و بینش درستی دست نمی‌یابد. احادیث و روایات فراوانی نیز از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) درباره ارزش بزرگ شهادت و مقام شهید نقل شده است پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «بالا-تر از هر عمل نیکی باز عمل نیکوی دیگری وجود دارد، مگر شهادت در راه خدا، که بالا-تر از آن هیچ عمل نیکویی وجود ندارد». در روایتی دیگر می‌فرماید: «هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر از خون شهیدی که در راه خدا ریخته شود نیست» برای شهدا درجات و امتیازهای خاصی قرار داده شده که بدین وسیله علاوه بر پاداش بزرگی که به آنان داده می‌شود با این امتیازها شأن و مقامی بلند می‌یابند و به گونه‌ای دیگر از آنان قدردانی و تجلیل می‌شود. یکی از این امتیازها این است که برخلاف سایر افراد از شهدا سؤال و جواب قبر نمی‌شود و وقتی از رسول اکرم (ص) درباره علت برداشته شدن آزمایش و سؤال و جواب در قبر و برزخ از شهید سؤال می‌شود، در پاسخ می‌فرماید: «شهید در زیر برق شمشیری که در بالای سرش بوده آزمایش خود را با موفقیت انجام داده است. امتیاز دیگر شهدا این است که پس از پیامبران و علمای و دانشمندان بزرگ الهی که در قیامت حق شفاعت دیگران را دارند، شهیدان نیز از این مقام بهره‌مند می‌باشند. آنچه باعث مقام رفیع و منزلت خاص شهیدان شده نقش مهمی است که آنان با خون خویش در جامعه ایفا می‌نمایند. شهدا با خون پاک و مقدسشان رگ‌های بی‌جان جامعه را حیات می‌دهند و از سکون و جمود و مردگی رهایی می‌بخشند. جهاد مقدس شهید و خون پاکی که در این راه به زمین ریخته می‌شود عامل بقای جوامع انسانی و تداوم ارزش‌های مقدسی است که انسانیت و شرف و عدالت و آزادی در پرتو آنها جان و رمق می‌گیرند و استمرار می‌یابند. شهید چون شمع می‌سوزد و با نور خویش ظلمات و تاریکی‌های زندگانی بشر را روشن می‌کند و راه رشد و سلامت و سعادت جامعه انسانی را صاف و هموار می‌سازد.

جلوه‌هایی از شوق و علاقه به شهادت در تاریخ اسلام

«شهادت به دلیل نقش خاصی که در رشد و کمال معنوی انسان و تحقق هدف مقدسی چون تقرب به درگاه حضرت پروردگار و کسب خشنودی و رضایت او به عهده دارد، همواره آرزوی بزرگ پیامبران و ائمه و اولیاء و صالحین و مؤمنین بوده است آنان شیفته حضرت حق و آرزومند وصال محبوب بوده و شهادت را نزدیک‌ترین راه جهت نیل به این مقام بلند دانسته و همواره از خداوند متعال درخواست رسیدن به این فیض بزرگ را داشته‌اند. زندگی سراسر جهاد و مبارزه این بزرگان همیشه با عشق به شهادت سپری می‌شده و همواره با امید به تحقق این هدف مقدس و در انتظار رسیدن لحظه‌ای که جامه تن را بدرند و قفس جسم را بشکنند و به ملکوت اعلی پرواز آغاز نمایند، روزشماری می‌کردند. جهت آماده شدن زمینه‌های لازم برای ورود در بحث اصلی و بررسی نقش شهادت در نهضت امام حسین (ع) از میان تمام جلوه‌های فراوان عشق به شهادت در تاریخ اسلام به ذکر چند نمونه

اکتفا می‌کنیم ۱- پیامبران همه در آتش عشق به شهادت می‌سوخته‌اند و سرانجام اکثر آنان به آرزوی خویش می‌رسیده و با شهادت فی سبیل‌الله در جوار رحمت حق می‌آرمیده‌اند. امامان شیعه نیز عاشقان شهادت بوده‌اند و در سخنان و دعاهای آنان به وضوح این عشق و علاقه مشاهده می‌شود و اینان نیز سرانجام به آرزوی بزرگ خویش نائل آمده‌اند. در این جا به اشتیاق وصف ناپذیر حضرت علی بن ابی طالب (ع) به شهادت در راه خدا اشاره‌ای می‌کنیم در سخنان حضرت علی (ع) شوق به مرگ و شهادت در راه خدا موج می‌زد. این سخن زیبا از اوست «همانا من مشتاق لقای پروردگار خویشم و دوستدار شهادت. و در سخنی دیگر می‌فرماید: «به خدا سوگند که علاقه و انس فرزند ابوطالب به مرگ و شهادت بیش از علاقه کودک به پستان مادر است. حضرت علی (ع) همیشه در تب شهادت می‌سوخت و در انتظاری شیرین برای نیل به این مقصود بزرگ به سر می‌برد. پس از پایان یافتن جنگ احد که حضرت علی (ع) دلاورانه علیه دشمن جنگید، با مشاهده پیکر غرق به خون حضرت حمزه (ع) و برخی دیگر از اصحاب و یاران که به شهادت رسیده بودند، حضرت احساس ناراحتی می‌کند و از این که او نیز به فیض شهادت نرسیده مغموم و محزون می‌شود. وقتی غم و ناراحتی خویش را با پیامبر اکرم (ص) در میان می‌گذارد، پیامبر (ص) او را به شهادت در آینده بشارت می‌دهد و می‌فرماید: «به تو مژده می‌دهم که شهادت به دنبال توست. حضرت علی (ع) خوشحال می‌شود و آرام می‌گیرد و هم چنان در انتظار شهادت باقی می‌ماند. پس از گذشتن مدتی مولا علی (ع) به علت تأخیر در شهادتش نگران می‌شود و دیگر بار از پیامبر اکرم (ص) می‌پرسد: «ای فرستاده خدا! مگر در جنگ احد، آن گاه که گروهی از مسلمین شهید شدند و این توفیق نصیب من نشد، و این بی توفیقی سخت بر من گران آمد، شما به من فرمودی که تو را مژده می‌دهم که شهادت به دنبال داری» رسول اکرم (ص) پاسخ داد: «آنچه گفته‌ام به طور قطع محقق می‌شود؛ ولی آن گاه صبر و شکیبایی تو چگونه است» حضرت علی (ع) می‌گوید: «ای فرستاده خدا! این از موارد صبر و شکیبایی نیست بلکه از موارد مژده و شکر و سپاس است. امیرالمؤمنین (ع) همچنان سال‌های سال در انتظار شهادت می‌سوخت و در اوج بی‌وفایی مردم و برخوردهای غیرانسانی آنان با او، چندبار این واقعیت را اعلام می‌نماید که اگر امید و طمع به شهادت نداشتم یک روز را با چنین مردمی دوست نداشتم زندگی کنم ۲- پیروان دین مبین اسلام نیز تحت تأثیر آثار و برکات ایمان به خدا در آرزوی شهادت و نیل به مقام قرب الهی به سر می‌برده‌اند. تاریخ اسلام مشحون است از صحنه‌های جهاد و مبارزه خالصانه این پاکان و عشق و علاقه وصف ناپذیرشان به شهادت در راه خدا. به نمونه‌های برگزیده‌ای از تاریخ صدر اسلام توجه می‌کنیم «عمرو بن جموح مردی بود که پایش می‌لنگید و طبق حکم صریح قرآن جهاد بر او واجب نبود او با آن که چهار فرزندش را به جنگ در راه خدا در رکاب رسول اکرم (ص) فرستاده بود و عذر شرعی داشت دلش می‌خواست به جهاد برود. خویشاوندان عمرو او را از رفتن به جهاد منع می‌کردند و متذکر می‌شدند که تو اولاً عذر شرعی داری و ثانیاً چهار فرزند دلاور در جنگ شرکت می‌کنند. او یادآور می‌شود به همان دلیل که فرزندانم آرزوی سعادت ابدی و بهشت جاویدان دارند من هم دارم و می‌خواهم به فیض شهادت نائل آیم خویشاوندان عمرو اصرار می‌ورزند و سرانجام عمرو نزد رسول خدا (ص) می‌رود و می‌گوید: «خویشاوندانم می‌خواهند مرا در خانه حبس کرده و نگذارند در جهاد شرکت کنم به خدا قسم آرزو دارم با این پای لنگ به بهشت بروم» رسول اکرم (ص) به او یادآور می‌شود که «ای عمرو! آخر تو عذر شرعی داری خدا تو را معذور داشته است بر تو جهاد واجب نیست» عمرو اصرار می‌ورزد و سرانجام رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مانعش نشوید! بگذارید برود، آرزوی شهادت دارد. شاید خدا نصیبش کند!» ۳- «خیثمه و «سعد» پدر و پسری هستند که هر دو در آرزوی شهادت به سر می‌برند و برای رفتن به جبهه و شهادت در راه خدا آرام و قرار ندارند. این دو با هم بر سر این موضوع که یکی بماند و یکی به جبهه برود با هم گفتگو می‌کنند و هر دو دلشان می‌خواهد که در خانه نمانند و راهی نبرد گاه حق و باطل شوند. سعد می‌گوید: «پدر جان اگر حساب بهشت و نیک‌بختی جاودانی در بین نبود حتماً ترجیح می‌دادم تو به جنگ بروی و من می‌ماندم اما چه کنم که آرزو مندم در این راه شهید شوم ..». خیثمه پاسخ می‌دهد: «در عین حال پسرم لطف کن و بگذار من بروم و تو کنار همسر خود و برای مواظبت از زن‌ها بمان و

آرام بگیر. سعد پیشنهاد پدر را نمی‌پذیرد و پدر می‌گوید: «پسرم چاره‌ای نیست باید یکی از ما دو نفر بماند، پسر که نمی‌تواند از فیض حضور در جبهه جنگ و نیل به سعادت بزرگ شهادت محروم بماند، به پدر پیشنهاد قرعه کشی می‌کند، قرعه برای رفتن به جبهه و رویارویی با سپاه خصم و کشتن و کشته‌شدن پدر پیشنهاد پسر را می‌پذیرد و قرعه کشی می‌شود و قرعه به نام سعد در می‌آید. سعد به جبهه جنگ می‌رود و به آنچه در اشتیاق آن می‌سوخت دست می‌یابد و به درجه والای شهادت نائل می‌آید. اما پدر چه کند؟! او نیز مشتاق شهادت است او نیز در انتظار فرارسیدن روزی است که به سوی محبوب بال و پر گشاید. سعد در جنگ «بدر» به شهادت رسیده و اینک جنگ احد در پیش است پدر سعد که جز به جانفشانی و شهادت در راه خدا نمی‌اندیشید، به رسول خدا (ص) چنین عرض می‌کند: «... با آن که در جنگ بدر، بسیار آرزومند بودم تا شرکت کنم با پسرم قرعه کشیدم که قرعه به نام او در آمد و خداوند متعال شهادت را نصیب او فرمود، من هم سخت مشتاق شهادت بوده و هستم دیشب پسرم را در خواب دیدم که در میان باغ‌ها و جویبارهای بهشت می‌خرامید و به من می‌گفت پیش ما بیا و در بهشت با ما و همراه ما باش که آنچه را خداوند وعده داده بود، همه را حق یافتیم به خدا سوگند مشتاق رفاقت با پسرم در بهشت شده‌ام من سالخورده‌ام و استخوان‌هایم پوک شده است و دیدار خدا را سخت دوست می‌دارم ای رسول‌خدا! از خدا بخواه که شهادت و دیدار سعد را در بهشت به من روزی فرماید.» رسول اکرم (ص) دعا می‌کند و خیمه در جنگ احد به آرزوی بزرگ خویش نائل می‌آید و غرق در خون پاکش می‌شود و به دیدار محبوب می‌شتابد. ۴- «عمیر» نوجوانی است که مشتاق حضور در میدان رزم و وصول به مقام رفیع شهادت در راه خداست عمیر می‌داند به دلیل سن کمی که دارد رسول اکرم (ص) او را به میدان نبرد نخواهد برد. اکنون سپاه اسلام عزم حرکت به سوی نبرد گاه را دارد. «عمیر» خود را در گوشه و کنار پنهان می‌کند. برادرش این صحنه را مشاهده می‌نماید و از او می‌پرسد: «چرا چنین می‌کنی!» عمیر در پاسخ به برادر می‌گوید: «می‌ترسم پیامبر مرا از نوجوانان بشمارد و برگرداند، من سخت مشتاق شرکت در جنگ و وصول به شهادت هستم. پیامبر اکرم (ص) متوجه عمیر می‌شود و دستور می‌دهد تا او برگردد. عمیر چنان گریه سوزناکی سر می‌دهد که پیامبر بر او رحمت می‌کند و اجازه می‌دهد تا در جنگ شرکت نماید. عمیر که شانزده سال بیشتر نداشت با شوقی وصف‌ناپذیر به جبهه رفته و به فیض شهادت می‌رسد و به آرزوی خویش نائل می‌آید. در تاریخ اسلام از این صحنه‌ها فراوان یافت می‌شود.

انگیزه قیام در کلام امام

از لابه‌لای کلمات امام حسین (ع) و نامه‌های آن حضرت به خوبی می‌توان به هدف و انگیزه آن قیام مقدس و نهضت الهی پی برد و به نظر می‌رسد که بهترین بیان برای ارائه انگیزه و فلسفه‌ای برای نهضت عاشورا همان سخنان گهربار و صریح و روشن امام (ع) می‌باشد که ذیلاً به بعضی از علل قیام کربلا که برگرفته از سخنان خود امام حسین (ع) است فهرست گونه اشاره می‌کنیم ۱- عدم صلاحیت یزید برای رهبری جامعه اسلامی به خاطر اعمال زشت و ناشایست او در قتل افراد بی‌گناه شرب خمر، ارتکاب فسق و فجور علنی و امثال آن ۲- حرمت خلافت اسلامی بر خاندان ابوسفیان که اشخاصی فاسد و فاسق هستند و مخصوصاً یزید که به مراتب پست‌تر و فاسق‌تر از معاویه بود. ۳- عشق و علاقه امام حسین (ع) به رواج خوبی‌ها و بیزاری و نفرت او از فسق و فجور و منکرات ایجادشده توسط حکومت بنی‌امیه ۴- مساوی بودن قبول بیعت با یزید و به رسمیت شناختن او با خواری و ذلت و زبونی برای امام (ع) که کشته‌شدن را به مراتب شرافتمندانه‌تر از آن می‌داند. ۵- تعلق گرفتن اراده خداوند متعال و دستور او بر لزوم تحقق این قیام و کشته‌شدن حسین و فرزندان و یارانش و به اسارت رفتن خانواده آن حضرت ۶- این قیام امتحان و آزمایش است بر اینکه آیا امت اسلام فرزند پیامبر خود را در سختی و وضع دشواری که پیش می‌آید؛ یاری می‌کند یا نه ۷- زنده کردن سیره رسول‌الله (ص) و روش علی بن ابی‌طالب (ع) در جامعه اسلامی ۸- اصلاح مفاسد امت و نهی آنها از منکرات و مبارزه با نابسامانی‌های ضداسلامی و

ضدانسانی حکومت یزید و امر به معروف و خوبی‌ها و کمالات انسانی و گسترش عمل اسلامی ۹ - نیل به پیروزی و نابودی بنی‌امیه و خاتمه دادن به ظلم و جور آنها گرچه بعد از شهادت ۱۰ - از بین بردن بدعت‌هایی که به اسم دین رایج شده است ۱۱ - دستور پیامبر (ص) مبنی بر وجوب مبارزه با حاکم ظالم که فساد را رواج می‌دهد. ۱۲ - ظاهر شدن زشتی‌ها، سرکوب فضایل سایه‌افکندن و خواری بر زندگی مردم ۱۳ - عدم عمل به حق و عدم دوری از باطل در جامعه موارد فوق و ده‌ها نمونه دیگر به همراه ادله واضح و غیرقابل تردید نقلی و عقلی همه گویای این واقعیت است که حسین بن علی (ع) از پایان راه و انتهای مسیر که جز پایانی خونریز ندارد؛ کاملاً مطلع بود و هیچ‌گونه شک و تردید در این باور راه ندارد. این در حالی است که پیروزی بر قوای طاغوت زمان از نقطه نظر امام (ع) امری مطلوب بوده و در صورت فراهم آمدن مقدمات مورد قبول حضرت قرار می‌گرفته است ولی شهادت هم پایه و عدل پیروزی است و در منطق اسلام هر دو برای انسان مسلمان آفرین است اگرچه در درازمدت زیرا همیشه خون بر شمشیر پیروز بوده و خواهد بود و امام حسین (ع) با علم به خطرات موجود در راه برای عینیت بخشیدن به کمالات عالی انسانی و معیارهای والای معنوی در جامعه اسلامی در آن راه گام نهاد و خون مطهر خویش را در آن راه نثار و درسی فراموش‌نشدنی به شیفتگان خود و پیروان اسلام و رهروان خونین سرش سایه افکند.

انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا

اشاره

امام حسین (ع) عابد شب زاهد دهر و شیر غزان عرصه پیکار در گرماگرم صحنه کارزار در برابر منافقان بدتر از کفار در کمال عزت افتخار، سربلندی و اقتدار بوده و شخصیتی متعلق به جهان آزادگان است و اختصاصی به قوم عرب و مکتب اسلام و ملت شیعه ندارد. او به ابدیت پیوسته و الگوی مبارزان در تمامی تاریخ است و از همین جهت است که متفکران آزاداندیش جهان بدون توجه به مرام و مکتب دین و مذهب خود، کلماتی روشن و گویا پیرامون شخصیت بزرگ و جهانی امام حسین (ع) بیان داشته‌اند تا به جایی که گاندی احیاگر و انقلابی بزرگ هندی و رهبر مبارزات آزادی‌طلبانه مردم هند علیه استعمار فرتوت بریتانیای کبیر صریحاً اعلام می‌کند که من چیز تازه‌ای برای مردم نیآورده‌ام اگر بخواهید هند را نجات دهیم واجب است همان راه حسین بن علی را بپیماییم یعنی راه نجات همان خط مبارزاتی حسین بن علی (ع) رهبر بزرگ شیعیان می‌باشد. محمدعلی جناح می‌گوید: «برای حسین ممکن بود زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد، اما مسئولیت بزرگ پیشوای اسلام اجازه نمی‌داد که یزید را به عنوان خلیفه بشناسد... در روی ریگ‌های تفتیده روح حسین فناپذیر برپاست» و اینک برگ سبزی تقدیم صحنه سرخ کربلا می‌شود. کاری کوچک و اندک در برابر بزرگی و عظمت حرکت ایثارگرانه امام حسین (ع) و یاران فداکار او. با امید قبولی و پذیرش از جانب آن حضرت

توقف گاه‌های امام و همراهان والا مقام آن حضرت

توقف گاه‌ها

۱ - تنعیم ۲ - ذات‌عرق ۳ - حاجر ۴ - خزیمه ۵ - زرود ۶ - ثعلبیه ۷ - ذباله ۸ - بطن‌عقبه ۹ - شراف ۱۰ - بیضه ۱۱ - زهیمه ۱۲ - غریب‌الحاجانات ۱۳ - بنی‌مقاتل ۱۴ - نینوا.

آغاز نهضت

اشاره

«صراحت در بیان هدف حضرت امام حسین (ع) از اول بدون هیچ ترس و واهمه و ملاحظه کاری هدف از قیام خود را بیان نمود و بدون هیچ گونه مصلحت‌اندیشی به بیان علت و انگیزه مخالفت با حکومت جائرانه یزید بن معاویه پرداخت و اهمیت قضیه وقتی معلوم می‌شود که بدانیم امام (ع) حتی قبل از حرکت از مدینه منوره و در حالی که به ظاهر در اختیار عمال بنی‌امیه می‌باشد، موضع اصولی خود را اعلام می‌کند: وقتی که ولید در خلوت از امام حسین (ع) برای بیعت با یزید بن معاویه دعوت به عمل آورد، حضرت صریحاً نظر خود را بیان فرمود و این اظهارات در حالی بیان می‌شد که هنوز مردم کوفه امام را به سوی خود دعوت نکرده بودند. حضرت در پاسخ ولید فرمود: «ما اهل بیت پیامبر و منبع رسالت و محل آمد و رفت و مراجعه ملائکه و وسیله نزول رحمت خدا هستیم و آغاز و خاتمه هر چیز از ما می‌باشد و یزید شخصی مشروب‌خوار، آدم‌کش و فاسق است و آشکارا معصیت می‌کند و کسی چون من با شخصی چون او بیعت نخواهد کرد». ملاحظه می‌شود که امام حسین (ع) بدون هیچ ملاحظه کاری و سیاسی بازی در اولین عکس‌العمل خود امکان بیعت با یزید را صریحاً نفی می‌کند و بی‌پرده ضعف یزید را برمی‌شمارد و عدم صلاحیت او را برای حکومت و در نتیجه عدم رسمیت حکومت وی را اعلام می‌کند و انگیزه حرکت و قیام خود را بر زبان می‌آورد. البته واضح است که بیان هدف و نهضت از ابتدا و حتی قبل از آغاز حرکت نشان اصالت آن ایده و مرام است و امکان تحریف آن هدف و انگیزه به کلی از بین می‌رود، مخصوصاً اگر در طول راه و در مراحل مختلف قیام پیوسته به آن هدف اشاره شود و این امر در نهضت کربلا به خوبی مشهود است صبح آن شبی که استاندار مدینه از امام حسین (ع) تقاضای بیعت برای یزید کرد، مروان بن حکم در کوچه‌ای به امام برخورد نمود و به عنوان نصیحت عرض کرد که من خیرخواه شما هستم و صلاح می‌دانم که با یزید بیعت کنید که این کار به نفع دین و دنیای شما می‌باشد. امام حسین (ع) در پاسخ او مطالبی را بیان فرمودند و هدف قیام و حرکت توفنده خود را به صراحت اعلام کردند و فرمودند: «اینک باید فاتحه اسلام را خواند؛ زیرا مسلمانان به فرمانروایی یزید گرفتار شده‌اند...! آن‌گاه مشروعیت حکومت بنی‌امیه را زیر سؤال برده و آن را قویاً نفی می‌کند و از جدش پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که حکومت و خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است» ایشان می‌فرماید: «از پیغمبر شنیده‌ام که اگر روزی معاویه را در بالای منبر من دیدید او را به زیر آورید». با این سخن مشروعیت حکومت پدر و برادرش را که با معاویه به جنگ و ستیز پرداخته‌اند بیان کرده و در حقیقت اعلام می‌کند که اینک همان راه برادرم حسن (ع) و پدرم علی (ع) و در واقع راه و رسم جدم پیامبر اسلام است که من می‌پیمایم و این بهترین بیان برای انگیزه نهضت و قیام او می‌باشد. این اعلان جنگ با یزید و نفی پذیرش سلطه او از طرف امام معصوم زمان است و جالب است که این موضوع را تا لحظه شهادت و پایان ظاهری مبارزه قهرمانانه خود حفظ نموده و حتی قدمی از مواضع الهی خود عقب‌نشینی نکرد. امام حسین (ع) تصمیم به خروج از مدینه گرفته و عازم سفر می‌شود و قبل از حرکت دو بار به زیارت مرقد مطهر رسول خدا (ص) رفته و منظور خود از قیام را، رواج خیر و نیکی و معروف و انهدام پایه‌های فساد و منکرات ذکر نموده و در حالی که خطاب به رسول خدا می‌کرد تصمیم خود را مبنی بر مقاومت و مبارزه تا سرحد شهادت اعلام داشت

مقاومت در برابر مخالفت‌ها

اشاره

از اولین لحظه‌ای که هدف امام حسین (ع) بر دیگران معلوم شد، مخالفت‌ها با حرکت آن حضرت شد. عده‌ای از دوستان و بستگان به عنوان خیرخواهی و به منظور حفظ جان امام (ع) و بعضی دیگر از مخالفت‌ها به جهت رسیدن به اهداف و اغراض شیطانی خود، آن امام معصوم را از مبارزه منع می‌کردند. اینک به نمونه‌های از این مخالفت‌ها اشاره می‌شود:

مخالفت دوستان

الف - عمر اطراف خدمت حضرت آمده و عرض کرد که برادرم امام حسن (ع) به من خبر داده که مخالفت تو با یزید به قتل تو منجر می‌شود و لذا شما از این سفر و مخالفت با حکومت منصرف شوید تا از کشته شدن مصون بمانید. حضرت به او فرمود که من هم از شهادت خود خبر دارم و پدرم مرا از کشته شدن در این راه مطلع کرده است امام حسین (ع) حتی جزئیات بیشتری از شهادت و محل دفن خود را به عمر گفت و در حقیقت مخالفت صریح خود را با تقاضای خیرخواهانه برادرش اعلام کرد و بیان کرد که قیام و حرکت من با توجه و آگاهی به عاقبت راه می‌باشد. ب - ام سلمه وقتی که از حرکت امام مطلع شد به حضورش آمد و او را از رفتن منع کرد و خبر از شهادت امام در این راه داده و حزن و اندوه خود از مسافرت امام (ع) را اعلام نمود. حضرت در پاسخ اظهارات او فرمود: «ای مادر! من هم از عاقبت این سفر و شهادت خود و اسارت زن و فرزندانم مطلع هستم و می‌دانم که یآوری برای آنها نخواهد بود». و این جا نیز امام حسین (ع) با نهایت احترامی که برای همسر پیامبر قائل است مخالفت خود را با پیشنهاد او اعلام می‌کند و تصمیم قاطع خود را بر حرکت و قیام با علم به آنچه پیش می‌آید بیان می‌نماید. ج - محمد حنفیه نیز خدمت برادر آمد و گفت تو عزیزترین مردم نزد من هستی و من تشخیص می‌دهم که خیر و صلاح در توقف شما در شهری دور از دسترسی یزید می‌باشد، یا به شهری دور دست بروید و یا در نقطه معینی اقامت نکنید؛ بلکه پیوسته تغییر مکان بدهید. البته منظور محمد حنفیه از تقاضای فوق این بود که امام (ع) تا مدتی مخفیانه زندگی کند تا به اندازه کافی یاور و حمایت کننده جمع آوری نموده و بعد به جنگ با حکومت یزید برخیزد و هرگز هدفش ممانعت از مبارزه امام (ع) با یزیدیان نبود و این امر از سخنانی که با حضرت مطرح کرد به خوبی معلوم می‌شود. امام حسین (ع) مخالفت خود را با این توصیه نیز ابراز داشت و ضمن قدردانی و سپاسگزاری از نصیحت و خیرخواهی برادرش فرمود که من چاره‌ای جز مبارزه با یزید نداشته و بایستی این حرکت الهی را آغاز کرده و به قیامی خونین برخیزم سپس با بیانی قاطع اعلام می‌دارد که حتی اگر در تمام کره زمین با همه وسعتی که دارد؛ پناهگاه و یآوری نداشته باشم به این مبارزه و نبرد می‌پردازم و هرگز زیر بار یزید و بیعت با او نخواهم رفت د - عبدالله بن عباس به حضور انورش رسیده و نگرانی خود را از شهادت حضرت در این مبارزه به عرض امام رساند و از ایشان تقاضا نمود که یا در مکه بماند و یا به یمن که در میان کوه‌ها محصور و دارای امنیت بیشتری نسبت به سایر مکانها می‌باشد برود تا از شر حکومت جائر در امان باشد؛ ولی امام حسین (ع) تصمیم قطعی خود را بر ادامه حرکت و مبارزه با طاغوت زمان اعلام نمود و فرمود: ای پسرعمو! می‌دانم که نسبت به من خیر خواه و مهربان هستی ولی من باید این مسیر را طی کرده و راه را به انتها برسانم ه - عبدالله بن زبیر هم امام را در مکه ملاقات کرده و از ادامه حرکت و مبارزه به این شکل بازداشتی و تقاضای تجدید نظر در مواضع امام را نموده و از حضرت خواست که در مکه بماند. امام حسین (ع) در پاسخ وی عزم خود را در مورد حرکت و ادامه مبارزه اعلام نمود و خبر از شهادت خود داده و فرمود: «نمی‌خواهم به خاطر من به خانه خدا حمله و بی‌احترامی شود، و من در طف و برکناره فرات کشته می‌شوم. و - عبدالله بن جعفر نامه‌ای به امام حسین (ع) نوشت و آن را به وسیله دو فرزندش عون و محمد به حضور امام ارسال داشت و در آن نامه حضرت را قسم داد که از آن سفر منصرف شود؛ زیرا بیم کشته شدن امام در این راه وجود داشت که در آن صورت امیرمؤمنان و نور خدا خاموش می‌شود. امام حسین (ع) در پاسخ بیان داشت که «من رسول خدا (ص) را در خواب دیده‌ام و آن خواب را به کسی نخواهم گفت و در آن خواب مأموریت مهمی به من محوّل شده که حتماً باید آن را تعقیب کنم .

مخالفت دشمنان

الف اولین مخالفت با حرکت امام حسین (ع) از ناحیه مروان بن حکم ابراز شد و او گفت که من خیر خواه تو هستم و خیر و صلاح

شما را در بیعت کردن با یزید می‌دانم و این کار در حقیقت به نفع دنیا و آخرت شما می‌باشد؛ اما حضرت با کلامی بسیار قوی و کوبنده پاسخ داد که «اگر یزید حاکم باشد؛ باید فاتحه اسلام را خواند. یعنی اگر من قیام نکنم دیگر اسلامی باقی نخواهد ماند و برای حفظ اسلام و شریعت محمدی (ص) چاره‌ای جز مبارزه علیه حکومت جائز وجود ندارد. ب عبدالله بن عمر نیز خدمت امام حسین (ع) رسید و امام را از این قیام منع کرد و گفت چون مردم با یزید بیعت کرده و درهم و دینار هم در دست او می‌باشد و قدرت هم دارد و لذا صلاح است که با او سازش و بیعت کنید و من می‌ترسم اگر با او مخالفت کنید؛ کشته شوید و گروهی از مسلمانان نیز قربانی شوند. پس از سخنان نسبتاً مفصل عبدالله، امام (ع) در پاسخ او فرمود: «دنیا حقیر و پست است مگر نمی‌دانی که بنی‌اسرائیل در چند ساعت هفتاد پیامبر را کشتند و بعد در بازار به خرید و فروش پرداختند، گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است ولی بالاخره خدا انتقام گرفت و آنها را به سزای اعمال خود رسانید. ای عبدالله! دست از یاری من بردار. در این بیان نه تنها تصمیم قطعی خود را مبنی بر ادامه حرکت جهادی اعلام می‌کند؛ بلکه خبر از عاقبت راه نیز می‌دهد و سعی می‌دارد که عبدالله را نیز به راه هدایت بکشاند. امام حسین (ع) با این چند جمله به عبدالله فهمانید که در راه حق و مبارزه با طاغوت نباید از کشته شدن هراسید و من این راه را می‌پیمایم اگرچه می‌دانم که این قیام به کشته شدن من و یارانم منجر می‌شود؛ ولی در نهایت پیروزی با ماست و خدا انتقام ما را از دشمنان و قاتلان و مخالفان ما خواهد گرفت ج عمرو بن سعید، استاندار مدینه امان‌نامه‌ای برای امام حسین (ع) نوشت و برای حضرت به مکه فرستاد و تقاضای انصراف امام از تصمیم به مسافرت عراق را نمود ولی امام آن تقاضا را نیز رد کرد.

روز شمار تاریخ

۱- مرگ معاویه روز ۱۵ ماه رجب سال ۶۰ هجری ۲- خروج امام حسین (ع) از مدینه روز یکشنبه دو روز مانده به آخر ماه رجب سال ۶۰ هجری ۳- ورود امام حسین (ع) به مکه شب جمعه سوم ماه شعبان سال ۶۰ هجری ۴- حرکت حضرت مسلم (ع) به نمایندگی از طرف امام حسین (ع) از مکه به سوی کوفه روز ۱۵ ماه رمضان سال ۶۰ هجری ۵- قیام مسلم در کوفه روز سه‌شنبه ۸ ذیحجه سال ۶۰ هجری ۶- شهادت مسلم در کوفه روز چهارشنبه ۹ ذیحجه سال ۶۰ هجری ۷- خروج امام حسین (ع) از مکه به سوی عراق روز سه‌شنبه ۸ ذیحجه سال ۶۰ هجری ۸- ورود امام حسین (ع) به سرزمین کربلا- روز دوم محرم سال ۶۱ هجری ۹- شهادت امام حسین (ع)؛ روز دهم محرم سال ۶۱ هجری

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

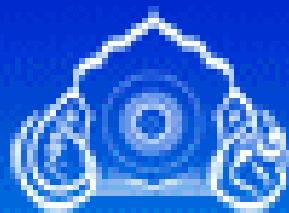
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

